

بررسی فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر

خاطره رحمانی^۱

شکوه نامدار^۲

چکیده

قرارداد بیمه عمر به عنوان عقدی مستقل تابع قواعد عمومی قراردادها بوده و هیچ گونه ایراد فقهی و یا حقوقی بر آن نمی توان گرفت. فقهای شیعه بر خلاف فقهای اهل سنت، قرارداد بیمه عمر را به دلیل شمول عمومات ادله صحت عقود و نیز محصور ندانستن عقود در قالب های معین و همچنین به علت مبری بودن از موانع فقهی مانند ربا، قمار، غرر و تعلیق پذیرفته اند، اگر چه آن ها معتقد اند قرارداد بیمه عمر به دلیل انطباق با برخی از عقود معین از قبیل صلح، هبه معوض، مضاربه و جعاله می تواند در قالب این عقود نیز منعقد گردد. در این مقاله به منظور بررسی حقوقی و فقهی ماهیت قرارداد بیمه عمر، این قرارداد با عقود معین مشابه تطبیق داده شده و استقلال این عقد به عنوان عقدی صحیح و مجاز مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرارداد، بیمه عمر، قواعد فقهی، عقود معین.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفت، گروه حقوق، تفت، ایران (نویسنده مسئول).

۲- استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفت، گروه حقوق، تفت، ایران.

(۱) مقدمه

از مهمترین اندیشه های هر شخصی در زندگی فردی و اجتماعی ایجاد شرایط مطلوب برای تامین آتیه و پیشگیری از عواقب نامطلوب حوادث ناخواسته به منظور نیل به آرامش خاطر است. صنعت بیمه از پدیده های است که جوامع بشری در عصر جدید روز به روز استقبال بیشتری از آن می کنند و با بیمه کردن خود، تامین منابع مالی در شرایط سخت آتیه را تضمین می نماید. مهمترین نوع بیمه های اشخاص بیمه عمر است که نوعی سرمایه گذاری تلقی می گردد که افراد برای مصون ماندن از هر گونه تشویش خاطر در خصوص تامین زندگی و اضطراب تغییر شرایط درآمدی و اقتصادی خانواده به آن روی می آورند. این مقاله با هدف آشنایی با اقسام قراردادهای بیمه عمر و بیان اعتبار فقهی و حقوقی این قرارداد و با این پیش فرض که این قرارداد به دلیل شمول ادله صحت عقود و نیز به دلیل مبری بودن از موانع فقهی و حقوقی ماهیت مستقلی دارد، نگارش یافته است. با توجه به ماهیت موضوع مقاله که هیچ گونه اقدامات میدانی و آماری برای آن متصور نیست، روش پژوهش در این مقاله کتابخانه ای بوده است.

(۲) کلیات**(۲-۱) تعریف قرارداد بیمه عمر**

«بیمه عمر عبارت است از قراردادی که به موجب آن بیمه گر در مقابل دریافت حق بیمه مقرر تعهد می کند که مبلغ معینی را خواه دفعتاً واحده به شکل سرمایه بیمه شده و خواه در مدت معین به شکل مستمری به بیمه گذار یا شخص ثالثی که از طرف بیمه گذار (بیمه شده) تعیین می شود یا به وراثت بیمه شده بپردازد. موعد ایفای تعهد بیمه گر ممکن است فوت بیمه شده و یا حیات او در زمان معین باشد» (زنگنه، ۱۳۷۹، ص ۸۳).

(۲-۲) انواع قرارداد بیمه عمر**(۲-۲-۱) بیمه عمر به شرط فوت**

در این نوع بیمه نامه خطر فوت شخص بیمه شده موضوع قرار می گیرد و تعهد بیمه گر نسبت به پرداخت سرمایه زمانی خواهد بود که بیمه شده در مدت اعتبار بیمه نامه فوت کند. هدف اصلی این نوع از بیمه عمر حمایت از خانواده و افراد تحت سرپرستی بیمه شده در قبال فوت شخص بیمه شده است.

۲-۲-۲) بیمه عمر به شرط حیات

در این نوع از قرارداد بیمه عمر، بیمه‌گر در صورت زنده بودن بیمه شده تا پایان مدت قرارداد متعهد می‌گردد که سرمایه بیمه را به طور یکجا یا مستمری بپردازد و اگر در طول مدت اعتبار بیمه نامه، بیمه شده فوت کند بیمه‌گر تعهدی نخواهد داشت. هدف عمده این نوع از قراردادهای بیمه عمر، این است که بیمه شده یا ذی نفع در دوران بازنشستگی و سالمندی درآمدی ثابت داشته باشد. این نوع بیمه نامه نیز جنبه پس‌اندازی داشته و دارای اندوخته ریاضی است.

۲-۲-۳) بیمه عمر مختلط

این قرارداد بیمه عمر در واقع تلفیقی از قرارداد بیمه عمر به شرط فوت و قرارداد بیمه عمر به شرط حیات است. در این نوع از بیمه عمر سرمایه در هر حال پرداخت می‌شود و مشروط به حیات یا فوت بیمه شده نیست. در این نوع از قراردادهای بیمه هم خطر فوت بیمه می‌گردد و هم جنبه پس‌اندازی و سرمایه‌گذاری دارد.

۳) شرایط اساسی انعقاد و صحت قراردادهای بیمه عمر

۳-۱) الزام وجود شرایط عام برای انعقاد قراردادهای بیمه عمر

هرگاه عقد یا قراردادی بخواهد اعتبار قانونی داشته باشد و بتواند آثار حقوقی لازم را به وجود آورد قوانین آمره‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. چنان که ماده ۱۹۰ قانون مدنی می‌گوید: « برای صحت هر معامله‌ای شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آنها ۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که همان مورد معامله می‌باشد ۴- مشروعیت جهت معامله». بنابراین در قراردادهای بیمه عمر این عناصر ۴ گانه باید موجود باشد تا از نظر حقوقی بتوان آن را توجیه کرد و فقدان یکی از این ۴ عنصر سبب بطلان و در مواردی عدم نفوذ قرارداد خواهد بود. همچنین طبق ماده ۱۰ قانون مدنی می‌توان قرارداد بیمه عمر را از نظر حقوقی معتبر دانست.

۳-۱-۱) قصد طرفین و رضای آنها

در قراردادهای بیمه عمر ایجاب قرارداد یا همان "پیشنهاد بیمه" از سوی بیمه‌گر مطرح می‌شود و این پیشنهاد الزامی را برای طرف دیگر برای شرکت در این قرارداد ایجاد نمی‌کند. در قراردادهای بیمه عمر باید نسبت به تمامی آنچه که در قرارداد آمده توافق صورت گیرد. در غیر این صورت قرارداد حسب مورد باطل یا قابل فسخ خواهد بود.

۲-۱-۳) اهلیت طرفین

اهلیت بیمه‌گذار تابع قواعد عمومی قراردادهاست. ولی در خصوص اهلیت بیمه‌گر بحث وجود دارد. ماده ۳۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی مقرر می‌دارد: « عملیات بیمه ایران به وسیله شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آن‌ها با نام بوده و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت». در حقوق انگلیس به موجب ماده ۲ قانون شرکت‌های بیمه ۱۹۸۲ فقط اشخاص حقوقی می‌توانند به عنوان بیمه‌گر عمل کنند. در امریکا نیز دیوان عالی این کشور مقرر نموده هر ایالتی می‌تواند انعقاد قرارداد بیمه را از سوی هریک از اشخاص حقوقی و یا حقیقی که طبق آن آن ایالت فاقد صلاحیت بیمه‌گری هستند ممنوع نماید و در اکثر ایالت‌ها اشخاص حقیقی از این که بیمه‌گر بیمه عمر باشند منع شده‌اند.

رویه ای که در امریکا ذکر شد معقول و پسندیده است چرا که اگر شخص حقیقی بیمه‌گر بیمه عمر فوت کند و یا محجور شود معلوم نیست چه بر سر تعهدات مالی وی خواهد آمد.

۳-۱-۳) مورد معامله

در خصوص این که در قراردادهای بیمه عمر واقعاً چه چیزی موضوع معامله قرار می‌گیرد بحث‌های فراوانی وجود دارد. برخی از نویسندگان موضوع را در قرارداد بیمه عمر شخص بیمه شده می‌دانند (مدنی کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۶۳)، ولی این نظر دارای یک ایراد اساسی است که به موجب آن نمی‌توان انسان را موضوع دانست چرا که « شخصیت قابل احترام و دارای کرامت انسان مقدس‌تر از آن است که درگیر آثار مالی معاملات شود» (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

عده‌ای دیگر موضوع در قراردادهای بیمه عمر را اقساط حق بیمه و سرمایه بیمه می‌دانند. بدین معنا که موضوع تعهد بیمه‌گذار پرداخت اقساط حق بیمه و برخی تعهدهای فرعی نظیر حسن نیت و دادن اطلاعات کامل و... می‌باشد و اثر آن پرداخت سرمایه بیمه است و مبنای محاسبه میزان تعهد بیمه‌گر، زندگی، فوت، شرایط جسمی، اقتصادی و سنی بیمه شده است و نه این که شخص بیمه شده موضوع قرارداد باشد.

البته در برخی شرکت‌های بیمه این که موضوع قراردادهای بیمه عمر اشخاص هستند پذیرفته شده ولی به دلیل استدلالی که در خصوص کرامت انسان گفته شد و این که نمی‌توان شخص را قیمت‌گذاری کرد، معتقدند که یک شخص می‌تواند خود را در چندین شرکت بیمه‌ای بیمه کند حال آن که مثلاً خودروی خود را فقط یک بار می‌تواند بیمه بدنه کند. چون ارزش خودرو معلوم است و بیمه نمی‌تواند وسیله ای برای سودجویی بیمه‌گذار باشد.

۴-۱-۳) مشروعیت جهت

قبلاً گفته می‌شد اگر قرارداد بیمه عمر را شرط‌بندی و قمار در عمر دیگران بدانیم و یا این که انگیزه‌ای باشد برای ذی نفع که بیمه‌گذار را به قتل برساند تا هر چه سریعتر به سرمایه بیمه برسد، چنین قراردادی مشروعیت ندارد. برای جلوگیری از این موارد در حقوق کامن‌لا قاعده‌ای به وجود آمد که به موجب آن شخصی که به عنوان ذی‌نفع تعیین می‌گردد باید دارای منفعت قابل بیمه‌ای^۱ باشد یعنی از فوت بیمه‌گذار ضرری به وی وارد شود و اگر چنین نباشد یا منفعت قابل بیمه وجود ندارد و یا انگیزه طرفین قمار و شرط‌بندی بر روی عمر بیمه شده است و چنین قراردادی فاقد اعتبار می‌باشد.

متأسفانه چنین قاعده‌ای در قانون بیمه و عرف بیمه‌ای ایران وجود ندارد و شاید به همین دلیل است که قانون بیمه رضایت کتبی بیمه شده را برای بیمه عمر وی غیرلازم دانسته است.

۲-۳) الزام وجود شرایط خاص برای انعقاد قراردادهای بیمه عمر

علاوه بر شرایط عام ذکر شده برای اعتبار قراردادهای بیمه عمر، یکسری شرایط خاص نیز وجود دارند که می‌بایست در سند بیمه به طور دقیق مشخص شوند. این شرایط عبارتند از: تعیین خطر مورد بیمه، تعیین تاریخ شروع پوشش بیمه‌ای، تعیین میزان حق بیمه و اقساط آن، تعیین میزان و نحوه پرداخت سرمایه بیمه و تعیین ذی‌نفع بیمه.

۱-۲-۳) تعیین خطر مورد بیمه

تعیین خطر مورد بیمه با توجه به این که چه نوع بیمه عمری باشد متفاوت است. در بیمه‌های عمر به شرط حیات، خطر، احتمال زندگی بیمه شده در مدت بیمه‌نامه است. در بیمه‌های تمام عمر، خطری تعیین نمی‌شود و فوت هر زمان که محقق شود تعهد بیمه‌گر آغاز می‌شود. در بیمه‌های عمر در صورت فوت، خطر فوت بیمه شده است و در بیمه‌های عمر مختلط خطر تلفیقی از احتمال زندگی و فوت بیمه شده می‌باشد.

۲-۲-۳) تاریخ شروع پوشش بیمه‌ای

بنا به یک قاعده جهانی از زمان پرداخت اولین قسط حق بیمه عقد بیمه آغاز می‌شود گرچه ممکن است موکول به امر دیگری مثل صدور بیمه‌نامه و یا غیره شود و این با منع قانونی روبرو نیست. در امریکا و انگلیس گاهی در بیمه نامه تاریخی زودتر از تاریخ ارائه پیشنهاد بیمه قید می‌گردد این عمل نیز با تقاضا یا رضایت متقاضی بیمه و اغلب در موردی انجام می‌شود که لازم است سن بیمه‌ای کم

و یا حق بیمه‌ای کمتر در نظر گرفته می‌شود. این امر را می‌توان "پس‌گرد در پوشش بیمه‌ای"^۱ نامید ولی در این کشورها نیز پس‌گرد بیمه‌ای برای بیش از یکسال ممنوع است. این عمل در عرف بیمه ایران رواج ندارد.

۳-۲-۳) تعیین میزان حق بیمه و اقساط آن

این مورد مهمترین تعهد بیمه‌گذار است فلذا میزان آن می‌بایست در بیمه نامه به طور دقیق قید گردد. پرداخت حق بیمه بنابر توافق طرفین گاه به صورت یکجا و گاه در اقساط چند ماهه است. عدم پرداخت این اقساط از سوی بیمه‌گذار برای بیمه‌گر حق فسخ یا کاهش سرمایه بیمه را به دنبال خواهد داشت.

۳-۲-۴) تعیین میزان و نحوه پرداخت سرمایه بیمه

در ماده ۲۳ قانون بیمه^۲ آمده است که در بیمه عمر مبلغ پرداختی بعد از مرگ باید به طور قطع در موقع عقد بیمه بین طرفین تعیین گردد و تناسب بین حق بیمه دریافتی و سرمایه پرداختی مبنای تعهد بیمه‌گر خواهد بود.

در خصوص نحوه پرداخت نیز باید گفت گاه پرداخت سرمایه بیمه یکجا و گاه به صورت مستمری خواهد بود و در صورتی که بیمه‌گر در تعهدی که در بیمه نامه بدان ملزم گردیده سرباز زند، ذی نفع می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده (که در اینجا شعبه‌ای از شرکت بیمه‌گر که بیمه نامه را صادر کرده می‌باشد) اقامه دعوی نماید.

۳-۲-۵) تعیین ذی نفع

در ماده ۲۵ قانون بیمه^۳ حق تعیین ذی نفع به بیمه‌گذار داده شده است. گاهی ذی نفع و بیمه‌گذار یکی نمی‌باشند. در تمامی پیشنهادات بیمه عمر ذی نفع در بیمه نامه می‌بایست تعیین گردد و این جز لاینفک بیمه نامه است ولی در فرض نادری که چنین نباشد و بیمه‌گذار فوت کند ماده ۲۴ قانون بیمه^۴ ورثه بیمه‌گذار را ذی نفع می‌داند. این در فرضی است که بیمه عمر در صورت فوت باشد ولی در بیمه‌های عمر به شرط حیات و یا مختلط تکلیف قضیه کماکان مبهم است.

1 - Back dating, Antedating

۲ - ماده ۲۳ قانون بیمه: «در بیمه عمر یا نقص یا شکستن عضوی از اعضای بدن مبلغ پرداختی بعد از مرگ یا نقصان عضو باید به طور قطع در موقع عقود بیمه بین طرفین معین گردد...».

۳ - ماده ۲۵ قانون بیمه: «بیمه‌گذار حق دارد ذی نفع در سند بیمه خود را تغییر دهد مگر آن که آن را به دیگری انتقال داده و بیمه نامه را هم به منتقل‌الیه تسلیم کرده باشد.».

۴ - ماده ۲۴ قانون بیمه: «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخت شود به ورثه قانونی متوفی پرداخت می‌شود مگر این که در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است.».

۴) مقایسه بیمه عمر با عقود مشابه آن

با توجه به ماهیت خاص بیمه برخی از فقیهان و حقوق‌دانان اسلامی بیمه را عقد مستقل دانسته‌اند و با استناد به عمومات و ادله صحت عقود و معاملات بر درستی عقد بیمه استدلال کرده‌اند. اما برخی دیگر از فقها به دلیل این که ادله صحت عقود را شامل عقود مستحدث از جمله عقد بیمه نمی‌دانند و نیز به دلیل اشکال‌های مثل غرر و جهالت و تعلیق که بر بیمه گرفته شده، سعی کرده‌اند عقد بیمه را با دیگر عقود، مثل ضمان، صلح، جعاله، و وصیت مقایسه کرده و از راه انطباق عقد بیمه با آن عقود، عقد بیمه را تصحیح کنند.

۴-۱) بیمه و ضمان

با توجه به تعریفی که از بیمه شده و برداشت عرفی که از طبیعت بیمه می‌شود، عرف بیمه را نوعی تضمین می‌داند و با توجه به معنای عام ضمان که نوعی تعهد است عده‌ای از فقیهان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۷۶) بیمه را با عقد ضمان مقایسه کرده‌اند و نزدیک‌ترین عقد را به بیمه، عقد ضمان دانسته‌اند و حکم بیمه را در قالب عقد ضمان صحیح شمرده و به مشروعیت آن فتوا داده‌اند. همان طوری که اقدام به بیمه مبتنی بر انگیزه تضمین و تأمین است، انگیزه درخواست و پذیرفتن ضمان نیز دست یافتن به وثیقه و اطمینان از بازگشت دین است و این همان معنای است که در بیمه و ضمان مشترک است.

البته عقد ضمان در صورتی با بیمه قابل انطباق است که اولاً: ضمان عین، اعم از مضمون و غیر مضمون، مانند ضمان دیون صحیح باشد. ثانیاً: تبرع، عنصر سازنده ضمان نباشد و ضمان تبرعی و معوض، از لحاظ حکم صحت، یکسان باشند. ثالثاً: در صدق و صحت عقد ضمان وجود مضمون عنه شرط نباشد.

اگر ضمان عین معوض را صحیح تلقی کنیم، ادله ضمان و عقود شامل بیمه خصوصاً بیمه اشیاء می‌شوند. چون در بیمه اشیاء ضامن مالی را که نزد صاحبش موجود است، تضمین می‌کند که اگر خسارتی بر آن وارد آید یا کلاً تلف شود، ضامن عهده دار خسارت آن است. البته تعهد بیمه گر مشروط است به این که مضمون له یا صاحب کالا به ضامن پول بدهد. ضامن (بیمه گر) به صاحب کالا (بیمه گذار) می‌گوید: من برای یک سال ضامن مال تو هستم به شرط این که مبلغ پول معینی را پردازی و ضامن هم این پیشنهاد را می‌پذیرد.

با توجه به این که بیمه نوعی ضمان اثنایی در عین خارجی، مشروط به پرداخت عوض است و ارکان سه گانه بیمه، در این نوع ضمان وجود دارد، برخی از فقیهان (حلی، ۱۴۱۵، ص ۳۶) به صحت و مشروعیت بیمه از راه انطباق بیمه با ضمان فتوا داده‌اند (جمالی زاده، ۱۳۸۰، ص ۴۴۹).

۲-۴) بیمه عمر و هبه

یکی دیگر از عقودی که عقد بیمه با آن مقایسه شده و از راه تطبیق بیمه با آن، برخی از فقیهان و حقوق دانان اسلامی به مشروعیت بیمه نظر داده اند، عقد هبه است. هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می کند. تملیک کننده واهب، طرف دیگر را متهب، مالی را که مورد هبه قرار می گیرد عین موهوبه می گویند.

درخصوص این که اگر شرط عوض در این عقد آورده شود به عقیده دکتر کاتوزیان منافاتی با رایگان بودن آن ندارد چرا که ایشان شرط عوض را در برابر تملیک قرار نمی دهند. در بادی امر ممکن است به نظر برسد که بیمه عمر شباهت‌های فراوانی با هبه دارد در حالی که پس از بررسی‌های دقیق خواهیم دید این دو نهاد حقوقی، اختلافات فراوانی با هم دارند از جمله این اختلافات عبارتند از:

الف) هبه از جمله بخشش‌هایی است که به طور مستقیم انجام می‌گیرد. بدین معنا که به مجرد تحقق عقد هبه مالی از دارای واهب خارج و به دارای متهب وارد می‌شود بدون آن که واسطه‌ای در میان باشد. در حالی که در عقد بیمه عمر به شرط فوت بیمه‌گر واسطه تملیک مال به شخص ثالث ذی‌نفع است و این تملیک به صورت مستقیم واقع نمی‌شود.

ب) در رابطه بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر ممکن است بتوان آن را تا حد زیادی با هبه معوض (موضوع ماده ۸۰۱ قانون مدنی) مشابه دانست، چرا که در هبه معوض نیز ممکن است متهب در مقابل بخشش واهب، تعهد انجام دادن کاری به نفع واهب یا شخص ثالثی را به عهده گیرد بنابراین می‌توان چنین تصور کرد که واهب (بیمه‌گذار) ضمن عقد هبه (قرارداد بیمه عمر) شرط می‌کند که متهب (بیمه‌گر) پس از فوت وی یا شخص بیمه شده مبلغی معین را به ذی‌نفع قرارداد بیمه بپردازد. ولی با اندک تأمل خواهیم دید هبه از جمله عقود است که به منظور تملیک مجانی مال منعقد می‌شود و قصد واهب از عقد هبه، اصولاً باید تملیک مجانی مال به متهب باشد. در غیر این صورت عقد حاصله از شمول تعریف هبه خارج خواهد بود. این اصل در مورد عقد هبه با شرط عوض نیز جاری است چرا که قصد اصلی واهب از انعقاد عقد هبه باید منتفع کردن و مالک گردانیدن متهب از مال خود باشد و اشتراط عوض نباید مغایر این فلسفه باشد و در واقع شرط عوض را در عقد هبه باید تا آن جا پذیرفت که جنبه فرعی و تبعی داشته باشد ولی اگر اهمیت آن تا حدی گسترش یابد که همانند عوض در مقابل عین موهوبه قرار گیرد، موجب تغییر ماهیت عقد هبه می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۳).

ج) اگرچه عده‌ای از فقها توجیه شرعی بیمه را از راه هبه مشروط صحیح دانسته‌اند اما می‌دانیم که هبه عقدی جایز است حال آن که بیمه عقدی لازم است. همچنین در هبه رجوع واهب قبل از تصرف متهب صحیح است اما در بیمه وجوه پرداختی بیمه‌گذاران به

تملیک بیمه‌گر درمی‌آید و قابل استرداد نیست. مگر آن که گفته شود هبه معوض یا هبه مشروط به دلیل معوض بودن جزء عقود لازم است و شرط ضمنی عقد هبه لازم‌الوفاء است (جمالی زاده، ۱۳۸۰، ص ۴۴۹).

۳-۴) بیمه عمر و وصیت

بیمه عمر و وصیت نیز در ظاهر شباهت‌های فراوانی دارد بنابراین لازم است تا این دو نهاد حقوقی را به دقت بررسی کنیم. تعریف وصیت تملیکی در ماده ۸۲۶ قانون مدنی این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که رابطه بین بیمه‌گذار و ذی‌نفع در قرارداد بیمه عمر به شرط فوت نیز همانند وصیت تملیکی است. ولی با اندکی دقت در خواهیم یافت که رابطه فیما بین موصی به و موصی‌له رابطه‌ای مستقیم و بلاواسطه است و با انشای وصیت و به مجرد فوت موصی مال به ملکیت موصی‌له درمی‌آید. در حالی که رابطه فیما بین بیمه‌گذار و ذی‌نفع رابطه‌ای مع‌الواسطه است و بیمه‌گر در این میان متعهد می‌شود تا تعهدات موضوع قرارداد را انجام دهد. از سوی دیگر مال موضوع وصیت (موصی‌به) تا زمان فوت در ملکیت موصی باقی می‌ماند و دقیقاً همان مال مورد تعهد (در صورتی که زاید بر ثلث ماترک نباشد) پس از فوت به ملکیت موصی‌له درمی‌آید. در حالی که در بیمه عمر تعهدی که بر ذمه بیمه‌گر است و مبلغی را که باید به ذی‌نفع پردازد جزء دارایی بیمه‌گذار نیست بلکه بیمه‌گر این تعهد را از دارایی خود پرداخت می‌کند و اصولاً سرمایه بیمه عمر هیچ‌گاه به ملکیت بیمه‌گذار در نمی‌آید.

همچنین خطر مورد نظر در بیمه عمر ممکن است فوت شخص دیگری غیر از بیمه‌گذار باشد که در این صورت پرداخت سرمایه بیمه عمر منوط به فوت آن شخص (بیمه‌شده) خواهد بود. در حالی که در وصیت تملیک موصی به، به موصی‌له موکول به فوت موصی است و معلق علیه صرفاً فوت موصی است و نه شخص دیگر. اما باید اذعان داشت که شباهت وصیت عهدی به بیمه عمر به شرط فوت بسیار بیشتر از وصیت تملیکی است. چرا که در این نوع وصیت موصی، به دیگری مأموریت می‌دهد تا مال او را به دیگری تملیک یا اداره کند. اما با اندکی دقت به این نتیجه می‌رسیم که اولاً؛ در وصیت عهدی نیز مال از دارایی موصی خارج می‌شود و به ملکیت موصی‌له درمی‌آید و وصی صرفاً واسطه تملیک این مال است در حالی که در قرارداد بیمه عمر مال از دارایی بیمه‌گر خارج و به ملکیت بیمه‌گذار در نمی‌آید. ثانیاً؛ به موجب ماده ۸۵۸ قانون مدنی وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید اوست حکم امین را دارد در حالی که بیمه‌گر تا زمان تحقق معلق‌علیه، مالک مالی است که به ذی‌نفع تسلیم می‌دارد و رابطه بین بیمه‌گر و سرمایه بیمه عمر رابطه امانی نیست بلکه رابطه مالکانه است. بنابراین با توجه به اختلافات فراوانی که بین بیمه عمر و وصیت وجود دارد منطقی‌تر می‌توان بیمه عمر را در ردیف یکی از انواع وصیت به شمار آورد.

۴-۴) بیمه عمر و صلح

عقد صلح در میان عقود دیگر و قراردادهای مشابه بیشترین شباهت را به قرارداد بیمه عمر به شرط فوت دارد. ماده ۷۶۸ قانون مدنی بیان می‌دارد: «در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال الصلحی که می‌گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند. این تعهد ممکن است به نفع طرفین مصالحه یا به نفع اشخاص ثالث واقع شود».

بر این اساس می‌توان چنین تصور کرد که بیمه‌گذار در عقد بیمه عمر به شرط فوت و به عنوان مصالح مال الصلحی را که عبارت از حق بیمه‌های متعلقه است به متصالح یا بیمه‌گر می‌پردازد و در ازای آن بیمه‌گر را متعهد می‌کند تا پس از فوت بیمه شده مبلغ معینی را به ذی نفع یا شخص ثالث بپردازد (زنگنه، ۱۳۷۹، ص ۹۷). در قرارداد بیمه عمر، طرفین قراردادی یعنی بیمه‌گر و بیمه‌گذار، بر این امر مصالحه می‌نمایند که بیمه‌گذار مبلغی را به بیمه‌گر پرداخت نماید و بیمه‌گر تعهد می‌نماید که در صورت فوت بیمه شده در مدت تعیین شده در قرارداد (بیمه عمر به شرط فوت)، یا در صورت حیات او در پایان مدت تعیین شده در قرارداد (بیمه عمر به شرط حیات) و یا در هر دو صورت یعنی چه در صورت فوت و چه در صورت حیات او تا پایان مدت تعیین شده در قرارداد (بیمه عمر مختلط) مبلغ معینی را به بیمه‌گذار یا ذی نفع معین شده در قرارداد بپردازد (امین فرد و زرد زنگ کشکی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲). البته با وجود شباهت‌های فراوان این دو نهاد حقوقی نکته مهمی وجود دارد و آن این که با توجه به تعریف صلح در ماده ۷۵۲ قانون مدنی علت اصلی انعقاد عقد صلح، رفع تنازع موجود و یا رفع تنازع احتمالی در آینده است. در حالی که در عقد بیمه عمر علت اصلی چنین نیست و می‌توان گفت در قرارداد بیمه عمر علت اصلی بهبود وضعیت مالی ذی‌نفع قرارداد در آینده است. شاید به همین دلیل است که برخی عقد بیمه عمر را از عقود استحضانی به شمار آورده‌اند.

این در حالی است که برخی حقوق‌دانان معتقدند که صلح در ابتدا فقط در مورد رفع اختلافات به کار می‌رفته است ولی به تدریج ماهیت خود را تغییر داده و هم اکنون همانند معامله‌ای مستقل، در ردیف دیگر عقود معین قرار دارد (امامی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۲۱). بنابر آن چه گذشت می‌توان گفت قرارداد بیمه عمر به شرط فوت، نوعی صلح معوض و معلق است که معلق علیه آن فوت بیمه شده است.

۴-۵) بیمه عمر و جعاله

همان طوری که گفته شد بیمه عقدی است که هریک از طرفین، تعهد و التزامی را در مقابل یکدیگر می‌پذیرد. عده‌ای در مقام تطبیق جعاله با بیمه بیان داشته‌اند که با توجه به این که در مورد شرایط جعاله سخت‌گیری زیادی وجود ندارد و جعاله به هر صیغه و لفظی

که دلالت بر التزام جاعل در مقابل عمل عامل کند صحیح است و در عمل مورد جعاله نیز شرط خاص نیست، پس از این رو می‌توان گفت دایره شمول جعاله گسترده است و بیمه را نیز شامل می‌شود.

هنگامی که بیمه‌گذار با بیمه‌گر توافق می‌کند که یک باره یا به اقساط مبالغی معین را به بیمه‌گر بپردازد و بیمه‌گر متعهد می‌شود در مقابل خطرات معینی از او و اموالش حمایت کند و علی‌رغم اقدامات احتیاطی و توصیه‌ها و آموزش‌هایی که از ناحیه بیمه‌گر انجام می‌گیرد، اگر حادثه‌ای خسارت‌زا به وقوع بپیوندد بیمه‌گر عوض آن خسارت را بپردازد و چون بیمه‌گر قبل از وقوع حادثه، اقدامات عملی همانند ایجاد نمایندگی، تعیین کارشناسان بیمه برای بررسی و ارزیابی خطرات تهدیدکننده و پزشک برای معاینات و توصیه‌های بهداشتی انجام می‌دهد و این کارها ارزش عقلائی دارد پس اصل تعهد پرداخت خسارت و خدمات شرکت بیمه می‌تواند مورد عمل جعاله قرار گیرد (جمالی زاده، ۱۳۸۰، ص ۶۹).

مرحوم آیت‌الله حکیم، حکم بیمه را در مبحث مربوط به جعاله بیان کرده‌اند و عقد بیمه را با جعاله قابل انطباق دانسته‌اند مشروط بر این که بیمه‌گر در مقابل اجرتی که بیمه‌گذار به وی می‌پردازد عملی مثبت و مجاز را مانند حراست از اموال یا جان بیمه‌گذار انجام دهد. ایشان می‌فرمایند: «قرارداد بیمه جان و مال که در این عصر از آن با عنوان سیکورته تعبیر می‌شود، به عنوان جعاله صحیح است. در صورتی که متعهد بیمه (بیمه‌گر) کار محترمی انجام دهد که نزد عقلا دارای مالیت و ارزش باشد مانند تدوین مقررات و بیان برنامه خوردن و آشامیدن و گماردن نگهبان برای حفظ مال و دیگر کارهای محترم و ارزشمند که در چنین صورتی عقد بیمه نوعی جعاله است و گرفتن مال از سوی طرفین قرارداد بیمه از یکدیگر حلال است در غیر این صورت بیمه باطل و گرفتن مال نیز حرام است» (حکیم، بی تا، ج ۲).

اما در مورد این که آیا بیمه با جعاله منطبق است یا در عین داشتن وجوه مشترک تفاوت‌هایی نیز بین این دو وجود دارد باید گفت درباره این که بیمه جزء عقود است اتفاق نظر وجود دارد. ولی در مورد جعاله این گونه نیست و هنوز اختلاف است که آیا جعاله عقد است یا ایقاع. اگر بپذیریم که جعاله عقد است، به اتفاق همه فقیهان جعاله عقدی است جایز اما در مورد قرارداد بیمه جز در مورد بیمه عمر، که از یک طرف جایز و از طرف دیگر لازم است، بیمه جز عقود لازم به شمار می‌رود. از طرف دیگر آن چه به عنوان بیمه در عرف امروز جامعه متداول و رایج است با جعاله منطبق نیست و عقد بیمه تحت عنوان جعاله منعقد نمی‌گردد و عرف بیمه را عقد مستقلی می‌داند.

موضوع جعاله عملی است که عامل آن را انجام می‌دهد و او باید کاری و خدمتی را ارائه دهد تا استحقاق اجرت و پاداش داشته باشد. با کمترین دقتی آشکار می‌گردد که در جعاله جعل و اجرت در مقابل عملی قرار می‌گیرد که عامل انجام می‌دهد یعنی پول با عمل عامل مبادله می‌شود. مانند اجاره که در آن منفعت با پول معاوضه می‌شود (جمالی زاده، ۱۳۸۰، ص ۶۹).

در توصیه انطباق بیمه با جعاله گفته شده است، که بیمه‌گذار جاعل است و بیمه‌گر عامل، یعنی بیمه‌گر باید عملی را برای بیمه‌گذار انجام دهد و خدمتی ارائه کند در حالی که بیمه‌گر خسارت و پول می‌پردازد و به عبارتی جبران خسارت را تعهد می‌کند و به نوعی تأمین می‌دهد.

بنابراین در بیمه پول با پول مبادله می‌شود یعنی در صورتی که بیمه‌گذار که نقش جاعل را دارد اقساط بیمه را بپردازد و حادثه مورد بیمه اتفاق بیفتد وی جبران خسارت را دریافت می‌کند. یعنی جاعل اقساط بیمه را داده و خسارت گرفته است و جبران خسارت پول است نه عمل. اگر حادثه مورد بیمه اتفاق نیفتد، بیمه‌گر عملی را انجام نداده است و خدمتی ارائه نکرده است تا استحقاق اجرت و پاداش داشته باشد. اگر گفته شود جاعل حق بیمه را در مقابل تعهد بیمه‌گر می‌دهد و تعهد بیمه‌گر در جبران خسارت امری ارزشمند و عقلائی است در پاسخ باید گفت، روشن است که تعهد و تضمین خسارت عملی نیست که مورد جعاله قرار گیرد والا ضمان معاوضی نیز مصداق جعاله بود (جمالی زاده، ۱۳۸۰، ص ۴۶۹).

برخلاف آن چه در انطباق بیمه با جعاله ذکر شده شرکت بیمه هیچ گونه عملی مانند حراست و مراقبت از بیمه شده یا راهنمایی مؤثر برای بیمه‌گذار و بیمه شده انجام نمی‌دهد تا استحقاق اجرت را داشته باشد. روشن است که مراکز و نمایندگی‌های بیمه، مأموریت حفاظت و ایجاد ایمنی برای بیمه‌گذار را ندارد بلکه کارهای اداری را برای جلب مشتری و دریافت اقساط بیمه و برای درآمد خود انجام می‌دهند و کاری مانند دیگر مراکز تجاری است که کالاهای خود را عرضه می‌کنند و این گونه کارها در ماهیت بیمه داخل نیستند تا عملی به نفع بیمه‌گذار باشند و اجرت و جعل در ازای این نوع خدمات‌ها قرار می‌گیرد (خامنه ای، ۱۳۵۹، ص ۱۵۲).

در جعاله جاعل در صورتی ملتزم به پرداخت حق الجعاله است که عامل وظیفه خود را انجام داده باشد و پیش از انجام و حتی در حین عمل، عامل استحقاق دریافت جعل و اجرت را ندارد در حالی که در بیمه این گونه نیست (خوئی، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

البته اگر در بیمه در برابر پرداخت اقساط توسط بیمه‌گذار شرکت بیمه خدماتی را انجام دهد، می‌شود بیمه نیز مصداق جعاله باشد. مرحوم آیت الله حکیم نیز بنا بر این فرض که موسسه بیمه خدمتی ارائه دهد و عملی به نفع بیمه‌گذار انجام دهد بیمه را مصداق جعاله دانسته‌اند.

در نتیجه به نظر می‌رسد می‌توان گفت بیمه با جعاله منطبق نیست. زیرا در جعاله پرداخت اجرت و جعل پس از انجام عمل است نه پیش از آن در حالی که در عقد بیمه، بیمه‌گذار باید در ابتدا حق بیمه را بپردازد و این امر نیز یکی دیگر از تفاوت‌های بیمه با جعاله است.

۵) ایرادات فقهی وارده بر قرارداد بیمه عمر

۵-۱) جهل به عوضین در عقد بیمه

از جمله شروط صحت در عقد این است که موضوع عقد و تعهدات ناشی از آن معلوم باشد. بنابراین معامله بر موضوع مجهول و یا معامله ای که حداقل یکی از عوضین آن مجهول باشد، باطل است. فقها جهل در معامله را متفقاً موجب بطلان دانسته و از جمله شروط صحت معامله بیان داشته اند؛ موضوع تعهداتی که طرفین قرارداد، آن را می پذیرند باید معلوم باشد و خصوصیت «معهودٌ علیه» مشخص باشد. در همین مورد میرزای قمی بیان داشته است: «از شرایط صحت بیع، معلومیت مبیع است و با وجود مجهول بودن مبیع، بیع باطل است، به دلیل اجماع که بر آن نقل شده است چنان که علامه در «تذکره» ادعا نموده و اخبار هم دلالت بر آن دارد.»

علامه حلی در «قواعد الأحکام» گفته است: عوضان در معامله باید معلوم باشند و بیع مجهول صحیح نیست: «کل مجهول مقصود بالبیع لایصح بیعه» (علامه حلی، ۱۳۱۵، ج ۱، ص ۱۲۷).

در عقد بیمه از یک طرف بیمه‌گذار نمی‌داند در قبال اقساطی که می‌پردازد چه مبلغی خسارت خواهد گرفت و حتی ممکن است موضوع عقد بیمه اتفاق نیفتد و خسارتی نیز وارد نشود در این صورت بیمه‌گر وجهی پرداخت نخواهد کرد و از طرف دیگر بیمه‌گر نیز نمی‌داند تا وقوع حادثه و ورود خسارت چه مبلغی دریافت خواهد کرد لذا به لحاظ مجهول بودن عوض یا عوضین در زمان انعقاد عقد چنین قراردادی باطل می‌باشد (عبده، ۱۳۹۲، ص ۲).

به نظر برخی دیگر از فقهای معاصر (روحانی، ۱۳۷۹، ص ۷۶) با توجه به حدیث (النهی النبوی عن بیع الغرر) معتقدند این ممنوعیت فقط شامل بیع بوده و هیچ گونه دلیلی مبنی بر این که قاعده مذکور شامل کلیه عقود شود ارائه نشده است. بنابراین وجود جهل در بیمه اشکالی بر مشروعیت آن وارد نخواهد کرد. عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) حدیثی را به این مضمون نقل نموده است: دو نفر که هریک مقداری گندم در نزد دیگری داشتند و مقدار آن را نمی‌دانستند به همدیگر گفتند آنچه از مال من نزد تو هست از آن تو باشد و آنچه از مال تو نزد من است مال من باشد آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟ و امام در پاسخ فرمودند: در صورت تراضی صحیح است (کاتوزیان، ۱۳۶۳، ص ۳۱۳). درست است که این حدیث در مورد صلح است ولی می‌توان نتیجه گرفت جهل به عوضین همیشه ایجاد اشکال شرعی نمی‌کند و لذا قرارداد بیمه نیز می‌تواند این چنین باشد. از سوی دیگر هدف بیمه‌گذار تأمین و امنیت است و اگر ماهیت بیمه به دست آوردن تأمین از خسارت و حصول آرامش است، پس عوضین معلوم هستند. بنابراین کسی که جان یا مال خود را در خطر می‌بیند و به قصد تحصیل تأمین و امنیت خاطر به بیمه‌گر مراجعه می‌کند و با وجودی که حق بیمه می‌پردازد مایل نیست حادثه موضوع بیمه واقع شود و خسارت واقع گردد، در نتیجه بیمه‌گذار با انعقاد قرارداد بیمه درصدد دریافت خسارت نیست

بلکه او در پی به دست آوردن تأمین و آرامش کامل است و لذا با پرداخت حق بیمه تأمین و امنیت مورد نظر خود را به دست می‌آورد و آنچه در قبال پرداخت حق بیمه به بیمه‌گذار داده می‌شود نفیس تأمین و آرامش و امنیت است (مولوی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰).

استاد مرتضی مطهری نیز بر این اعتقاد بود که ماهیت بیمه همان مسئله تأمین و اطمینان قلب است و معامله‌ای نیست که یک طرف آن مجهول باشد. تعهدی هم که بیمه‌گر به بیمه‌گذار می‌دهد از نظر عقلایی، دارای ارزش می‌باشد و بنابراین مسئله مجهول بودن عوضین در قرارداد بیمه منتفی است (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۲۷).

۲-۵) تعلیق در عقد بیمه

نظریه مخالفان صحت عقد بیمه این است که عقد باید منجر باشد و حال آن که بیمه عقدی است معلق. زیرا تعهد بیمه‌گر به پرداخت خسارت معلق به حدوث خطر و ایجاد خسارت می‌باشد و حادثه مورد نظر ممکن است اتفاق بیفتد یا نیفتد لذا به لحاظ وجود تعلیق در آن باطل است.

این گروه معتقدند که انشاء به منزله ایجاد است و ایجاد معلق، معقول نیست. بعلاوه تعلیق برخلاف مقتضای عقد است و چون مقتضای عقد به وجود آمدن حق و تعهد است که به مجرد انشاء حاصل می‌شود، موکول نمودن حق و تعهد مذکور به امر دیگر برخلاف مقتضای عقد بوده و موجب بطلان آن خواهد بود. این گروه بر بطلان عقد معلق ادعای اجماع نیز نموده‌اند (امامی، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۱۶۷).

اما در پاسخ به ایراد این گروه می‌توان گفت: اولاً؛ قدر متیقن از اجماع مورد ادعا در خصوص بیع است و دیگر عقود را شامل نمی‌شود. ثانیاً؛ بر فرضی که تعلیق عقد را باطل کند این بطلان در عقود است که ذاتاً قابلیت تعلیق نداشته باشد مانند عقد نکاح و در عقود که ذاتاً معلق است مانند وصیت تعلیق زیانی به صحت آن نمی‌رساند و عقد بیمه نیز می‌تواند از قبیل همین عقود باشد (گرچی، بی تا، ص ۱۴۶)، ثالثاً؛ در قرارداد بیمه تعهد که منشاء است معلق نیست بلکه آن چه معلق است جبران خسارت است.

در مواد ۱۸۴ و ۱۸۹ قانون مدنی عقد معلق یکی از انواع عقود شمرده شده و دلیلی بر بطلان آن ارائه نشده است. همچنین شرایط صحت معاملات در ماده ۱۹۰ قانون مدنی تصریح شده و حال آن که منجز بودن عقود از شرایط صحت آن برشمرده نشده است. در ماده ۷۲۳ قانون مدنی که مقرر داشته: «ممکن است کسی در ضمن عقد لازمی به تأدیه دین دیگری ملتزم شود در این صورت تعلیق به التزام باطل نیست مثل این که کسی التزام خود را به تأدیه دین مدیون معلق به عدم تأدیه او نماید». همچنان که ملاحظه می‌گردد در این ماده صحت تعهد معلق تصریح شده است.

اگرچه مشهور فقها عقد معلق را باطل می‌دانند لکن این نظر اجماعی نیست و برخی چون شیخ انصاری و مرحوم نائینی قائل به صحت تعلیق در منشأ هستند.

عده‌ای نیز درباره اشکال تعلیق در عقد بیمه بیان می‌دارند: در عقد بیمه نه انشاء معلق است و نه منشأ (تعهد بیمه‌گر)، بلکه انشاء و منشأ هر دو منجزاند و به محض وقوع عقد هر دو انشاء و اعتبار شده‌اند، یعنی با انشاء عقد بیمه، ایجاد و تعهد بیمه‌گر نیز تحقق یافته است و طرفین به طور منجز و قطعی درباره ایجاد التزام تصمیم گرفته‌اند (جمالی زاده، ۱۳۸۰، ص ۳۷۰). همچنین عرف اجتماعی عقد معلق به این معنا را می‌پذیرد و نمونه‌های آن در حقوق و فقه نیز وجود دارد. عمومات و اطلاقات ادله صحت عقود، مانند آیه «ایفاء» و آیه «تجارت» و روایات عامه و خاصه نیز مقید به نوع خاصی از عقد نیستند و همگی در مورد تنجیز و تعلیق در عقد، شمول و عموم دارند بنابراین دلیلی بر بطلان تعلیق در عقد موجود نیست و اثبات شرط تنجیز در عقد با توجه به عمومات ادله مشکل است. تنها دلیل بر اشتراط تنجیز در عقد اجماع است که اجماع نیز اولاً؛ در همه عقود ثابت نیست و قدر متیقن از اجماع، در خصوص برخی از عقود مانند بیع است. ثانیاً؛ اجماع ادعایی تعبدی نیست که کاشف از قول معصوم باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در عقد بیمه که تعهد مشخص است و فقط انجام آن معلق بر وقوع حادثه و ایراد خسارت است و دلیلی بر بطلان عقد مذکور وجود ندارد، فلذا تعلیق در آن اشکالی نداشته و ایراد تعلیق در عقد بیمه به صحت آن اشکالی روا نمی‌دارد.

۳-۵) بیمه و التزام مالایلزم و ضمان ما لم یجب

اصطلاح "التزام ما لا یلزم" به این معنی است که تعهد به انجام چیزی شود که هنوز تحقق نیافته است. به عقیده برخی فقها چون عقد بیمه "الزام ما لا یلزم" بوده و الزام و تعهدی ایجاد می‌کند که بیمه‌گر شرعاً ملزم به انجام آن نیست به عبارت دیگر بیمه‌گر بدون آن که مسبب حادثه‌ای باشد به محض انعقاد قرارداد و پرداخت حق بیمه از سوی بیمه‌گذار ضامن خسارات وارده می‌شود و وجوه پرداختی را به بیمه‌گذار نمی‌بخشد علی‌هذا قرارداد بیمه حرام است.

اصطلاح "ضمان ما لم یجب" به معنای "ضمان ما لم یقع" است یعنی ضامن شدن از تعهدی که هنوز به وجود نیامده است. در واقع دین تعهد اصلی و ضمان تعهد تبعی است. ممکن نیست وقتی دینی به وجود نیامده ذمه ضامن مشغول گردد. عده‌ای از فقها معتقدند ضمان تعهد تبعی است و سبب می‌شود دین به ذمه ضامن منتقل شود و امکان ندارد دینی که به وجود نیامده باشد منتقل گردد.

همچنان مخالفان بیمه بر این باورند که قرارداد بیمه از مصادیق التزام ما لایلزم و مالم یجب است و بنابراین باطل می‌باشد. در پاسخ اینان می‌توان گفت اساس بیمه مبنی بر مشارکت دسته جمعی و تحمل خساراتی است که بر یکی از بیمه‌گذاران وارد شده است.

خساراتی که شخص بیمه‌گذار به تنهایی قادر به تحمل آن نیست و شرکت‌های بیمه از محل پرداخت حق بیمه‌های سایر بیمه‌گذاران، آن را می‌پردازد.

در مورد ایراد "ضمان ما لم یجب" در بیمه نیز بعضی معتقدند که بیمه از مصادیق ضمان ما لم یجب نیست. زیرا بیمه‌گر زمانی تعهد به جبران خسارت می‌کند که حادثه رخ داده باشد. یعنی در صورتی بیمه از قبیل ضمان مالیم یجب خواهد بود که بیمه‌گر انشای تعهد فعلی کند برای جبران شیء پس از غرق و یا آتش سوزی؛ اما در صورتی که انشای تعهد بعدی کند، یعنی تعهد پس از غرق یا آتش سوزی را انشاء کند، در این صورت تعهد او به هیچ وجه مصداق ضمان مالیم یجب نخواهد بود. این نوعی تعلیق است ولی دلیلی بر بطلان تعلیق به ویژه تعلیقی که در منشاء باشد، وجود ندارد.

همچنین باید یادآوری نمود که در صدق ضمان، وجود مضمون عنه شرط نیست. به عبارت دیگر مضمون عنه از ارکان عقد ضمان نیست بلکه از لوازم ضمان دین است.

سید محمد کاظم یزدی اولین فقیه شیعه که بر درستی عقد بیمه مهر تأیید زده است در عروه الوثقی، ضمان را در موردی مانند این که کشتی در وضعیت خطر غرق شدن باشد و شخص به صاحب کالا بگوید: «القی متاعک فی البحر و علی ضمانه» صادق است و فقها اجماعاً گفته‌اند که این نوع ضمان صحیح است در حالی که در این ضمان، مضمون عنه وجود ندارد (یزدی، ۱۳۷۱، ص ۷۷۹).

۴-۵) بیمه و غرر

یکی از اشکالاتی که به درستی عقد بیمه گرفته می‌شود این است که بیمه عقدی غرری است و عقد غرری نیز باطل است، پس عقد بیمه باطل است. اما باید اذعان داشت "غرر" اصطلاحی شرعی نیست چون حقیقت شرعی در مورد آن ثابت نشده است بلکه دارای مفهوم عرفی است و معنای عرفی هر لفظی از مراجعه به عرف و فرهنگ‌نامه‌ها که کاربردهای عرفی واژه‌ها را جمع‌آوری می‌کنند شناخته می‌شود. اگر مقصود از غرر، فریفتن و گول زدن است، این معنا در عقد بیمه منتفی است، چون بیمه‌گر و بیمه‌گذار با آگاهی از شرایط مقرر و مضبوط در بیمه‌نامه، بیمه را قبول می‌کند و بنا بر اصول بیمه‌ای اصل حسن نیت در روابط بیمه‌گذار و بیمه‌گر اعتبار شده است که طرفین با ابراز حسن نیت به انعقاد بیمه اقدام نمایند. همچنین اگر گفته شود مقصود از غرر جهالت است و در عقد بیمه غرر و جهل به عوضین راه پیدا می‌کند باید اذعان داشت که هر جهالتی به صحت عقد خلل نمی‌رساند بلکه آن جهالتی است که عقد را در معرض فساد و بطلان قرار داده و موجب ابهام عقد می‌شود. اما در جایی که علم اجمالی در مورد عقد حاصل شود، خصوصاً در غیر مورد بیع همان علم اجمالی به عوضین کافی است.

در اصطلاح غرر هنگامی تحقق می‌یابد که در یک قرارداد متعلق عقد مجهول باشد به طوری که از ناحیه جهل مزبور احتمال ضرر برای حداقل یکی از متعاملین وجود داشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳). علما غرر را موجب بطلان معامله دانسته‌اند و مستند آن را هم روایت «نهی النبی عن بیع الغرر» و سیره مسلمین ذکر کرده‌اند.

در بیمه‌های عمر اعم از آن که در صورت فوت باشد یا حیات، بیمه‌گر از همان ابتدا در قرارداد مبلغ معینی (سرمایه بیمه) را در قبال بیمه‌گذار تعهد می‌کند. بنابراین جهلی از لحاظ مبلغ عوضین پیش نمی‌آید تا اشکال مزبور در مورد آن مطرح شود. تنها در یک صورت این شبهه بروز می‌کند و آن موقعی است که مبلغ مورد تعهد بیمه‌گر مبلغ معینی که یک جا یا در چند قسط پرداخت شود نباشد، بلکه بیمه‌گر تعهد نماید مادام‌العمر هر ماهه یا هر ساله مبلغ معینی را به ذی نفع پرداخت نماید و چون میزان عمر و زنده ماندن بعد از آغاز زمان پرداخت آن وجوه معلوم نیست در نتیجه کل مبلغی که بیمه‌گر پرداخت خواهد نمود مشخص نمی‌باشد. بیمه‌های مستمری بازنشستگی به نحو فوق صورت می‌گیرد.

گفتیم که بیمه عقدی معاوضی است. بونیون در کتاب «حقوق بیمه عمر» آن را این طور تعریف کرده:

« قراردادی است که در آن یک طرف موافقت می‌کند در صورت وقوع حادثه‌ای ویژه در طول مدت حیات، در ازاء پرداخت فوری مبلغی کمتر یا اقساطی معین و متساوی، مبلغ معینی را بپردازد» (ایوانس، ۱۹۸۵، ص ۱۲۱). اگر قرار باشد حسب تعریف نقش بیمه منحصر در صورت مادی پرداخت دو مبلغ در قبال یکدیگر باشد بی‌تردید مشکل غرر مطرح خواهد شد. زیرا در بیمه‌های اموال عموماً و در بیمه‌های اشخاص بعضاً مبلغی که بیمه‌گر خواهد پرداخت هم در میزان و هم در اصل آن جهل و تردید وجود دارد. زیرا همان طوری که قبلاً نیز اشاره شد معلوم نیست حادثه مورد بیمه اتفاق بیفتد یا خیر و در صورت اتفاق در طول مدت بیمه چند بار تکرار شود و در هر بار خسارت جزئی چند درصد مبلغ بیمه خواهد بود و در پایان مدت بیمه آیا به همین جهت کمتر یا بیشتر از مبلغ بیمه پرداخت خواهد شد یا نه؟ از همین ناحیه است که علاوه بر غرر، اشکالات ربوی و قمار و شرط‌بندی بودن قرارداد بیمه نیز مطرح می‌شود (صادقی نشاط، ۱۳۷۲، ص ۱۰).

نکته این است که همان طوری که گفتیم حقیقت بیمه جنبه "تأمینی" دارد. آنچه بیمه‌گذار در ازاء پرداخت حق بیمه تحصیل می‌کند تأمین و آرامشی است در برابر حوادث زیان باری که وی را تهدید می‌نماید و چه بسا تجار زیادی که در طول سالها همواره حق بیمه‌های قابل توجهی پرداخت کرده‌اند ولی هرگز خسارتی معادل آن دریافت نکرده‌اند. ولی در عین حال بیمه نمودن اموال خود را جزء لاینفک فعالیت‌های تجاری خویش قرار داده‌اند. از همین رو است که علاوه بر نقص تعاریف فوق، حتی نقص توجیه عقد بیمه به عنوان قرارداد جبران خسارت نیز آشکار می‌شود (پارک، ۱۹۸۸، ص ۲۱). اگرچه این توجیه بی‌ربط نیست ولی یک اثر قطعی و

مشخص برای بیمه بیان نمی‌کند. زیرا چه بسا بسیاری از قراردادهای بیمه‌ای که اصلاً مورد خسارت پیدا نکرده منقضی می‌شوند و در نتیجه توجیه مزبور را بلامصدق می‌سازند.

پس آن چه در قبال حق بیمه گرفته می‌شود «تأمین» است و این عوض است ارزشمند و بالفعل، مبلغ بیمه نیز حدود این تأمین را مشخص می‌کند اعم از آن که خسارتی واقع شود یا نشود.

بنابر این به عنوان تأیید آنچه گفته شد باید بیان داشت اصل بسیار مهم و مبنای بیمه یعنی "لزوم وجود نفع قابل بیمه شدن" که در تمامی اقسام بیمه مطرح است تأکیدی است بر تأمینی بودن این عقد و جنبه‌های غرر قمار و شرطبندی بودن را از آن می‌زداید.

همچنین اگر دلیل بر بطلان معامله غرری را بنای عقلاً بدانیم که عمده ترین دلیل نیز همین می باشد، یعنی عقلاً بر معامله ای که موضوع و مورد آن مجهول و مستلزم ضرر و خطر باشد، اقدام نمی‌کنند و شارع نیز همین بنای عقلاً را تأیید کرده باید بگوییم که «بیمه» شامل بنای عقلاء در این مورد نمی‌شود چرا که عقلاً بیمه را امری پسندیده می‌دانند و به آن اقدام می‌کنند و بیمه گذار با تحمل هزینه ای جزئی برای کسب منافع بیشتر یا جلوگیری از ضرر بزرگ تر عقد بیمه را منعقد می‌کند. بنابراین بیمه کاری عاقلانه و مقرون به صرفه است.

از سوی دیگر عقلاً غبن و غرر اندک در معاملات را می‌پذیرند. شرع نیز غرر قابل معامله عرفی را مانع صحت نمی‌داند؛ مانند غرر موجود در معامله میوه درخت پیش از آن که قابل خوردن شود.

همچنین فقها غرر در مضاربه، مساقات، ضمان، صلح، جعاله در شرع موجب بطلان عقد نیست. بنابراین عقد بیمه مشروعیت دارد و امری که در ذات بیمه وجود داشته باشد و مانع از صحت آن باشد، وجود ندارد از این رو فقیهان شیعه به صحت عقد بیمه فتواداده اند.

۵-۵) بیمه و قمار

قمار را در شکل عقد چنین تعریف کرده اند: « قراردادی است که به موجب آن، قمار کننده ای متعهد می‌شود که هرگاه بازی قمار را باخت، به قمار باز دیگر، مبلغی از پول یا چیز دیگری را که بر آن توافق کرده اند بپردازد.» (سنهوری، ۱۳۹۰، ص ۹۸۵).

ماده ۶۵۴ قانون مدنی بیان می‌دارد: « قمار و گروبنندی باطل، و دعاوی راجع به آن مسموع نخواهد بود. همین حکم در مورد کلیه تعهداتی که از معاملات نامشروع تولید شده باشد، جاری است.»

قمار از نظر لغت و عرف هرگونه عملی است که صرفاً به اتکای بخت و شانس و تصادف، مالی را بلاعوض از دست داده و یا بلاعوض بدست بیاوریم.

درباره عقد بیمه گفته شده که اگر از بعد فردی به عقد بیمه نگریسته شود که صرفاً بین دو نفر منعقد می شود، نوعی شرط بندی به حساب می آید و همان طوری که قمار باز به تصور این که برنده خواهد شد و باخت و شانس با او یار خواهد بود به قمار بازی اقدام می کند، بیمه گذار و بیمه گر نیز هر یک با تصور جلب منافع خود اقدام به قرارداد بیمه می کنند و احتمال دارد هر یک از طرفین قرارداد در ازای آن چه از دست می دهد، چیزی به دست نیاورد. قمار نوعی مخاطره و از دست دادن مال است و بیمه نیز چنین است. مثلاً در بیمه عمر، اگر شخص بیمه شده بمیرد، ورثه او سرمایه بیمه و سود آن را دریافت می کنند. اما اگر زنده بماند، حق بیمه ای که او پرداخت از دست او رفته است و هیچ چیز نیز دریافت نکرده است. برای شرکت بیمه نیز همین شانس و باخت وجود دارد. اگر بیمه شده در زمان مشخص بمیرد شرکت باید مبلغ بیمه و سود آن را بپردازد و اگر زنده بماند پولی را دریافت کرده است بدون آن که غرامت و خسارتی را بپردازد.

اما باید گفت این طور نیست که عمل هر یک از بیمه گذار و بیمه گر در عقد بیمه عمر مخاطره آمیز باشد و سود و زیان هر یک متوقف بر شانس و اقبال آن ها باشد زیرا که بیمه گذار در مقابل پرداخت حق بیمه های خود، از بیمه گر در برابر خطر فوت ناگهانی تامین دریافت می نماید و در واقع آن چه در اصل بیمه عمر برای بیمه گذار ارزش دارد، همان تامینی است که از بیمه گر می گیرد (سعدی و میرزاخانی، ۱۳۹۲، ص ۸۷). آن چیزی که بیمه را از قمار متمایز می کند این است که شرکت بیمه با تعداد فراوانی از متقاضیان بیمه قرارداد می بندد و از مجموع بیمه گذاران در ازای خدمات بیمه ای پول دریافت می کند و از مجموع متقاضیان بیمه تعداد اندکی از آن ها در معرض خطر قرار می گیرند و چون کار شرکت های بیمه ای مبتنی بر محاسبه آماری و شیوه های فنی و مدیریتی است، اگر اداره فنی شرکت بیمه مبتنی بر اصول مدیریتی باشد، چندان خطری شرکت بیمه را تهدید نمی کند و اگر خطری نیز متوجه آن گردد، بیش از آن چه معمولاً در کارهای تجاری رخ می دهد نیست. پس عنصر خطر، شرکت بیمه را تهدید نمی کند و برای بیمه گذاران انعقاد بیمه برای دفع خطر است و نه استقبال از خطر. بر خلاف نظر مخالفان قرارداد بیمه، در بسیاری از موارد بیمه و قمار عکس یکدیگراند.

از وجه تمایز بیمه و قمار می توان به انگیزه، اثر و نتیجه اقتصادی، از نظر روحی و روانی و اخلاقی و اجتماعی اشاره کرد. همچنین قمار نه تنها نفعی برای تمدن بشری ندارد بلکه باعث از هم گسیختگی نظام اجتماعی و اقتصادی جامع می گردد و فعالیت های مفید و مثبت را در جامعه و در چرخه تولید و خدمات مفید و سازنده متوقف می سازد. نظام بیمه به منظور ترمیم آثار حوادث زیان بار که به جان و مال انسان وارد می شود ایجاد شده است و به صورت فنی و منظم بر نوعی همکاری و تعاون در توزیع خسارت و تضامن مبتنی است.

بنابراین بیمه درست در جبهه مخالف قمار قرار دارد. بیمه بر خلاف قمار خطری را ایجاد نمی کند بلکه بیمه گذار را در برابر خطری که او را تهدید کرده و سبب وارد شدن خسارت مالی به او می شده محفوظ نگه داشته است و حصری برای خطر احتمالی است که اثر آن، ختنی سازی آن خطر احتمالی است. احتمال سود و زیان در بیمه، به اندازه احتمال ضرری است که در معاملات تجاری و کالاهای تولیدی وجود دارد و این امور جانبی، لازمه فعالیت های عادی و زندگی و کار روزانه هر فرد است. وجود این احتمالات در کنار مفید بودن بیمه برای اجتماع به قدری اندک است که به مشروعیت بیمه لطمه ای وارد نخواهد ساخت.

نتیجه گیری

با توجه به واقعیت های امر بیمه و نقش آن در زندگی انسان، قرارداد بیمه به عنوان یک موضوع مستحدثت مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از حقوق دانان اهل سنت عقد بیمه را حرام و باطل دانسته اند زیرا به نظر ایشان بیمه عقدی جدید است و شباهتی با عقود فقهی ندارد. اینان معتقد به حصری بودن عقود هستند همچنین بر این باورند که اشکالاتی که به عقد بیمه وارد است مثل جهل به عوضین، قمار، ربا و غیره که توضیح آن در متن تحقیق داده شد، قابل رفع نیستند. اما بدیهی است که ادله ایرادات کامل نبوده و نمی توان با استناد به این ایرادات خللی به صحت قرارداد بیمه عمر وارد نمود. همچنین بیمه معامله ای عقلایی است و عقلاً بیمه را کاری پسندیده و مفید برای فرد و جامعه می دانند و در حال حاضر بیمه بخش جدا ناپذیر نظام مالی در هر کشور محسوب می شود. همان گونه که اقتصاد امروز بدون بانک و نظام پولی و اعتباری رونق ندارد، قطعاً بدون بیمه نیز قلمرو فعالیت های اقتصادی در کشور محدود خواهد شد.

در نتیجه بیمه عمر عقدی صحیح، مستقل و تابع قواعد عمومی قراردادهاست. همچنین باید اذعان داشت که عدم ذکر آن در کتب مدون فقهی دلیل بر بطلان آن نیست. هر چند با مقایسه بیمه عمر با عقود مشابه در قانون مدنی و انطباق آن ها با یکدیگر می توان به صحت بیمه عمر حکم داد اما به دلیل حصری نبودن عقود و عمومات ادله صحت عقود می بایست برای بیمه ماهیتی مستقل و جدای از عقود دیگر در نظر گرفت.

فهرست منابع

۱. امین فرد، محمد و زرد رنگ کشکی، حکیمه، تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت قرارداد بیمه عمر و ادله مشروعیت آن، پژوهشنامه بیمه، سال ۲۸، شماره ۴، ۱۳۹۲، ۱۷۸-۱۵۵.
۲. زنگنه، مسعود، ماهیت و آثار حقوقی قرارداد بیمه عمر، فصلنامه صنعت بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۸، ۱۳۷۹، ۱۰۳-۸۳.
۳. سعدی، حسین علی و میرزا خانی، رضا، صحت بیمه عمر در عرض عقود مستقل فقهی، پژوهشنامه بیمه، سال ۲۸، شماره ۳، ۱۳۹۲، ۷۳-۱۰۰.
۴. صادقی نشاط، امیر، غرر و شرط به نفع ثالث در بیمه عمر، فصل نامه بیمه مرکزی، سال هشتم، شماره چهار، ۱۳۷۲، ۴۱-۳۵.
۵. گرجی، ابوالقاسم، تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی، بخش سوم قراردادهای بیمه، نشریه موسسه حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، شماره اول، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶.
۶. مولوی، محمود، بررسی فقهی بیمه، نشریه دانشکده الهیات مشهد، شماره ۴۷ و ۴۸، ۱۳۷۹، ۱۸۴-۱۶۵.
۷. امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۴۷.
۸. امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد ۲، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
۱۰. جمالی زاده، احمد، بررسی فقهی عقد بیمه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۱. حکیم، محسن، منهاج الصالحین، جزء ۲، نجف، مطبعه نعمان، ۱۳۸۴ ه.ق.
۱۲. حلی، شیخ حسین، بحوث فقهیه، بیروت، انتشارات موسسه النار، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۳. حلی، شیخ حسین، قواعد الاحکام، جلد ۱، قم، انتشارات اهل بیت، ۱۳۱۵، ه.ق.
۱۴. خامنه ای، محمد، بیمه در حقوق اسلام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
۱۵. خوئی، ابوالقاسم، المسائل المنتخبه، نجف، مطبعه الاداب، ۱۳۹۰ ه.ق.
۱۶. روحانی، صادق، المسائل المستحدثه، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۹.
۱۷. سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط، جلد ۲، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۹۰.
۱۸. صفائی مهر، جواد، قانون بیمه، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.

۱۹. عبده، عیسی، التأمین الاصلیل البدیل، دار البحوث العلمیه، ۱۳۹۲ ه.ق.

۲۰. عزالدین، موسی، الاسلام و قضایا الساعه، بیروت، دار الاندلس، ۱۳۸۶ ه.ق.

۲۱. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد ۳، عطایا، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.

۲۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (مشارکت‌ها، صلح و عطایا)، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳.

۲۳. مدنی کرمانی، عارفه، حقوق بیمه، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۶.

۲۴. مطهری، مرتضی، بررسی فقهی مسئله بیمه، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۱.

۲۵. موسوی خمینی، روح‌ا...، تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.

۲۶. یزدی، محمدکاظم، العروه الوثقی، قم، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۷۱.

۲۷. Evans, Georje. **Insurance of Person**, the CII Tuition Service Cambrije, ۱۹۸۵.

۲۸. Holdr. **Housemans Law of life insurance**, IEd. ۱۹۷۰.

۲۹. Jones, Legh. Longmore, Birds and Owen, Mac. **Gillivary on Insurance Law**, ۹ Ed. Sweet and Maxwell, London. ۱۹۹۷.

۳۰. Park, Alexi. **The Law and Practice of Marine Insurance and Averaje**, London, Stevens, Sons, ۱۹۸۸.